

۲۰۰۹/۰۵/۳۱ م

نوشته و اسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب

کی جی بی در افغانستان



قسمت دهم

پس از نابودسازی امین، ایوانوف، کرپچینکو، بوگدانوف و اوسادچی از اندروپوف چنین دستور دریافت داشتند:

«بمنظور زیر کنترل در آوردن وضع کشور در زودترین فرصت ممکنه باید پس از پایان مرحله اول عملیات به نیروهای سالم ح.د.خ.ا. کمک شود تا پایه های اجتماعی رژیم را گسترش دهند. باید تدابیری اتخاذ کرد تا آنانی که وفاداری خود به آرمان های انقلاب ثور و دوستی با اتحاد شوروی را ثابت ساخته اند در رهبری جدید ارگان های دولتی شامل ساخته شوند. برای بوجود آوردن فضای مناسب برای قطعات نظامی، تأسیسات و شهروندان شوروی در جمهوری دموکراتیک افغانستان هر آنچه ممکن است باید انجام گیرد. در مورد احساسات بخش های مختلف جامعه افغانی باید معلومات جمع آوری گردد تا از آنچه می گذرد ارزیابی درست بدست آمده تدابیر مناسب در اسرع وقت گرفته شود. جهت فعالیت نورمال خدمات امنیتی بر اساس اصول طرحریزی شده توسط ببرک کارمل و استحکام خدمات امنیتی مذکور باید تدابیر عاجل اتخاذ گردد. رهبری خاندوی^۱ که عامل مهمی در تأمین و استحکام نظم اجتماعی است باید تقویه گردد. همه اعضای نمایندگی کی جی بی و اقامتگاه آن باید مواضع عملیاتی خود را توسعه و تحکیم بخشند تا اطلاعات قابل اطمینان بدست آورده بر انکشاف اوضاع آنگونه که ما می خواهیم اثر گذارند. به انتظام کار استخبارات نظامی در جمهوری دموکراتیک افغانستان باید توجه خاص مبذول گردد.»

نمایندگی کی جی بی و اقامتگاه آن افراد خود را در مقامات کلیدی حزب و دولت جابجا ساختند. اسدالله سروری معاون شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان گردید. بروز ۳۰ دسمبر به ارگان های امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان هدایت داده شد تا سازمان های مخفی طرفداران امین را کشف و نابود سازند.

کی جی بی در مورد وقایع در جمهوری دموکراتیک افغانستان و رهبری جدید کشور به تدوین گزارشات می پرداخت. یادداشت شماره ۲۵۱۹ الف مؤرخ ۳۱ دسمبر برای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی زیر

^۱ نیروی ژاندارمری متشکل از ۲۰۰۰۰ افراد که در زمان داود تشکیل و از طرف نظام خلقی ادامه داده شد. رژیم کارمل آنرا در سال ۱۹۸۱ به شکل نیروی دفاعی متشکل از شش لوا تجدید سازمان نمود. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

عنوان «پیرامون حوادث در افغانستان بروز های ۲۷ و ۲۸ دسمبر ۱۹۷۹» به امضای اندروپوف^۲، اوستینوف^۳، گرومیکو^۴ و پوناماریف^۵ چنین ارقام و صادر گردید:

«پس از کودتا و قتل نورمحمد تره کی منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بدست حفیظ الله امین در ماه سپتمبر امسال وضعیت در افغانستان شدیداً به وخامت گرایید و حالت بحرانی بخود گرفت. حفیظ الله امین نظام دیکتاتوری شخصی خود را در کشور قائم کرده موفق کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و شورای انقلابی را به سطح ارگان های صرفاً نام نهاد پایین آورد. کسانی که از راه خویشاوندی یا وفاداری شخصی با امین پیوند داشتند به مقامات بالایی حزب و دولت مقرر شده شمار زیادی از اعضای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.، شورای انقلابی و حکومت افغانستان از حزب اخراج یا زندانی گردیدند. اکثر کسانی که مورد سرکوب و امحای فزیکتی قرار گرفتند آنانی بودند که در انقلاب ثور سهم فعال داشته همدلی خود با اتحاد شوروی را پنهان نمی کردند و از هنجارهای لنینی حیات داخل حزبی دفاع می نمودند. حفیظ الله امین با بیان اینکه برکناری تره کی از حزب و دولت مورد تأیید اتحاد شوروی بود با حزب و مردم نیرنگ باخت.

به دستور مستقیم حفیظ الله امین آوازه هایی در جمهوری دموکراتیک افغانستان راه اندازی شد که اتحاد شوروی را بی اعتبار ساخته و فعالیت های مامورین شوروی در افغانستان را زیر سایه قرار می داد. بر تماس کارمندان شوروی با نمایندگان افغانی محدودیت هایی وضع گردید و در عین زمان تلاش هایی صورت گرفت تا در چوکات یک «سیاست خارجی متوازن تر» مورد تأیید امین با امریکایی ها ارتباطاتی برقرار گردد. امین با کاردار (شارژدافیر) سفارت امریکا در کابل ملاقات های محرمانه یی داشت. حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان شرایط مساعد کار برای فعالیت مرکز فرهنگی امریکا را مهیا نموده خدمات خاص^۱ جمهوری دموکراتیک افغانستان کار استخباراتی خود علیه سفارت ایالات متحده امریکا را به هدایت امین متوقف ساخت.

امین از طریق میانجی هایی با رهبران مخالفین دست راستی مسلمان تماس برقرار نموده کوشش کرد تا از راه سازش با رهبران ضد انقلاب داخلی موضع خود را استحکام بخشد.

میزان سرکوب سیاسی بگونه فزاینده خصلت همگانی بخود گرفت. تنها در زمان پس از حوادث ماه سپتمبر اضافه از ۶۰۰ عضو ح.د.خ.ا.، منسوبین قوای مسلح و سائر کسانی که مظنون به «ضد امینی» بودن بودند بدون محاکمه از بین برده شدند. سرکوب خصلت نابودی حزب را بخود گرفته بود.

اینها همه یکجا با دشواری های مختص به اوضاع افغانستان تکامل روند انقلابی را نهایت دشوار ساخت و به نیرو های ضد انقلابی که در واقعیت امر کنترل شمار زیادی از ولایات را در دست داشتند زمینه فعالیت داد. این نیروها که در زمان رژیم امین به پیمانۀ هر چه وسیعتر مورد حمایت و پشتیبانی نیروهای خارجی قرار داشتند توانستند تغییرات بنیادی در وضعیت سیاسی داخلی کشور و نابودی دستاورد های انقلاب را باعث شوند. شیوه های دیکتاتوری حکومت، سرکوب ها، اعدام های دسته جمعی و بی پروایی در برابر قانون باعث بروز نارضایتی وسیع در کشور گردید. پوسترهای بیشماری در پایتخت پدید آمدند که مشخصه ضد مردمی رژیم برسر اقتدار را افشا ساخته خواستار وحدت و همبستگی در مبارزه علیه «داروسته امین» می شدند. نا آرامی به ارتش نیز سرایت کرد. شمار چشمگیر افسران خشم خود را در برابر تسلط دست پرورده های نالایق و بی کفایت حفیظ الله امین ابراز می داشتند. در واقع یک جبهه وسیع ضد امین در کشور بوجود آمده بود.

^۲ رئیس کی جی بی

^۳ وزیر دفاع

^۴ وزیر خارجه

^۵ ایدنولوج، عضو دارالانشأ و رئیس بخش بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی - برگرداننده

^۶ منظور خدمات استخباراتی و پولیس مخفی است - برگرداننده

بیرک کارمل و اسدالله سروری که در خارج افغانستان بسر می بردند نگران سرنوشت انقلاب و استقلال کشور بودند. آنها بمنظور نجات کشور و انقلاب...^۷ و با نشان دادن بازتاب ژرف بینانه در برابر روحیه اوج گیرنده ضد امینی در افغانستان به متحد سازی همه گروه های ضد امین در داخل کشور و در خارج آن آغاز کردند. اختلاف نظرها کنار گذاشته شد و شکاف پیشین در ح.د.خ.ا. التیام یافت. سروری به نمایندگی از جناح خلق و کارمل به نمایندگی از جناح پرچم اعلام داشتند که حزب سرانجام متحد شده است. کارمل به حیث رهبر حزب جدید و سروری به سمت معاونش انتخاب شدند.

به سبب شرایط نهایت دشواری که دستاورد های انقلاب ثور و مصئونیت کشورما را تهدید می کرد لازم بود تا مساعدت بیشتر نظامی به افغانستان صورت گیرد، بخصوص آنکه حکومت قبلی جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز همچو افزایش کمک را خواستار شده بود. بنابراین براساس پیمان سال ۱۹۷۸ افغان شوروی تصمیم گرفته شد تا قطعات لازم ارتش شوروی به افغانستان فرستاده شوند.

نیرو های مخالف حفیظ الله امین با اتکا بر موجی از احساسات وطنپرستانه که بخش های پهناور مردم افغانستان را پس از پیاده سازی سربازان اتحاد شوروی در مطابقت کامل با معاهده سال ۱۹۷۸ افغان شوروی فراگرفت، یورش مسلحانه بی را در شب ۲۷ بر ۲۸ دسمبر راه انداختند. این قیام با پشتیبانی توده های زحمتکش، روشنفکران، بخش قابل ملاحظه بی از ارتش افغانستان و دستگاه دولتی که از تاسیس رهبری جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان و ح.د.خ.ا. استقبال می کردند مواجه گردید.

حکومت و شورای انقلابی جدید با قاعده وسیع شامل نمایندگان همه مردم اعم از فراکسیون های پیشین خلق و پرچم، نمایندگان اردو و اشخاص غیر حزبی تشکیل شد. دولت جدید در اعلام مواضع خود ابراز داشت که بخاطر پیروزی کامل انقلاب ملی دموکراتیک ضد فئودالی ضد امپریالیستی و بخاطر پاسداری از استقلال و حاکمیت ملی افغانستان خواهد رزمید. سیاست خارجی آن برپایه استحکام همه جانبه دوستی و همکاری با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی استوار خواهد بود. رهبری جدید با در نظر داشت اشتباهات نظام پیشین قصد دارد تا به دموکراتیک سازی وسیع زندگی مردم، تعمیم قانونیت، استحکام پایه های اجتماعی و حضور نمایندگان دولت در بین مردم، اتخاذ موضع انعطاف پذیر در قبال دین و مسائل اقوام و اقلیت های ملی توجه جدی مبذول دارد. یکی از نخستین اقداماتی که مورد توجه وسیع مردم افغانستان واقع شد رهاسازی تعداد بزرگی از زندانیان سیاسی بشمول سیاست مداران و شخصیت های نظامی برجسته بود. شمار زیادی از آنها (قادر، کشتمند، رفیع و دیگران) سهم فعال و پرشور در کار شورای انقلابی و حکومت جدید گرفته اند. موضعگیری در برابر نظامیان و متخصصین شوروی در مجموع خوب است. وضع در کشور رو به نورمال شدن می رود...^۸

بیرک را می توان از نظر تئوریک یکی از پخته ترین رهبران ح.د.خ.ا. دانست. وی قادر است وضعیت افغانستان را با دیدی هوشمندانه و عینی ببیند. حسن نیت صمیمانه اش در برابر اتحاد شوروی همواره ممیزه او بوده و در حزب و در سراسر کشور از احترام خاصی برخوردار است. در پرتو این همه می توان مطمئن بود که رهبری جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهد توانست راه موثری برای تأمین ثبات کامل اوضاع در کشور بیابد.»

یادداشت فوق در مطابقت کامل با همه موازین کژآگاه سازی نگاشته شده بود. حقایق وارونه و نوآرایی شده و تعبیری دروغین از وضعیت داده شده بود. از جمله امضاکنندگان یادداشت اندروپوف یگانه کسی بود که حقیقت کامل وقایع را می دانست. وی دیگران را ذهنیت داده و زیر تأثیر گرفته حوادث را کارگردانی کرده بود. دیگران صرف بخشی از حقیقت را می دانستند و نقش شان هم جانبی بود. وظیفه اشغال افغانستان به اوستینوف داده شده بود. گرومیو کارش آن بود تا جهانیان را در مورد اعمال اتحاد شوروی آسوده خاطر سازد و پوناماریف می بایستی کمونیست ها، سوسیالیست ها و احزاب کارگری را با شیوه های مناسب مجاب سازد.

مردم افغانستان به سرعت به مفهوم اشغال کشور خود پی بردند. از آنجاییکه در افغانستان «الله» یگانه قدرت مرکزی است مردم بزودی به دفاع از عقیده شان در برابر اشغال گران برخاستند. «کفار روسی می خواهند

^۷ نقاط تعلیق در نسخه اصلی روسی نیز چنین است (ویرایشگر نسخه انگلیسی)
^۸ ایضا

پرستش شیطان را جانشین خدایپرستی سازند.» در جنوری ۱۹۸۰ کارمل به تابیف، ایوانوف و مگومتوف^۹ اعتراف کرد که «مردم فکر می کنند که اتحاد شوروی ببرک کارمل و حکومت جدید را به قدرت رسانده است. لازمست است تعبیر درست حوادث به مردم آموختانده شود.»

بروز ۲۵ دسمبر بلافاصله پس از آغاز تهاجم سربازان شوروی به افغانستان پوستر هایی با شعار «روس ها را برانید و درسی را که به انگلیس ها دادیم به آنها نیز بدهید» در کابل پدیدار گردیدند.

ذهنیت عام مردم افغانستان بر آن بود که افغان ها می توانستند بدون تانک های شوروی از عهده کار خود بدرآمده نابسامانی خود را سامان بخشند و آمدن روس ها درین میان فقط برپادی و ویرانی به ارمغان آورد. بنیادی^{۱۰} سفیر افغانستان در چکسلواکیا بروز ۲۹ دسمبر در ارتباط به سرنگونی امین اظهار داشت «وضعیت سیاسی کنونی نتیجه کار اتحادشوروی در تبنانی با چکسلواکیاست که به کارمل پناه سیاسی داد. این صاف و ساده مداخله در امور داخلی افغانستان است.» فاروق عضو پیشین کمیته شهری ح.د.خ.ا. و مامور عالی رتبه وزارت معارف شکوه کنان نالید که «افغانستان به چکسلواکیای ثانی مبدل شده است. سفارت شوروی باید پرچمی های فاقد صلاحیت را از خلع سلاح کردن خلقی ها باز دارد ورنه خلقی ها آتش خواهند گشود.»

اعظم رهنورد زریاب مدیرمسئول مجله «فرهنگ خلق» بر حوادث ۲۷ بر ۲۸ دسمبر چنین تبصره کرد: «هیچکس اکنون آن خوشبینی ایرا که شمار زیادی از روشنفکران پس از ۷ ثور ۱۳۵۷ داشتند ندارد. امین منفور بود اما آمدن سربازان خارجی به کابل و سائر نقاط کشور به هیچ وجه برای افغانان پیک شادی نیست.» وی به یک عضو کی جی بی اظهار داشت که «باشندگان افغانستان ترجیح می دهند سربازان شوروی پس از انجام وظیفه و پیش از آنکه حضور شان حس کدورت افغانان را برانگیزد به اتحاد شوروی برگردند. روس ها کارمل را بر سر قدرت آوردند. مردم در کابل می گویند که خوبست کارمل برگشته است اما اینکه چگونه برگشته است نیز دارای اهمیت است. مردم پرچمی ها را بطور عموم راستکار و بافرهنگ تلقی می کنند اما در طی چند سال گذشته مثال های زیادی در افغانستان وجود دارد که اشخاص بظاهر فرهیخته و شایسته چیزی جز اراذل و دد منشان از آب درنیامده اند.»

کی جی بی برای فرونشاندن غوغا و سروصدای جهانی تدابیر فعال مختلفی را رویدست گرفته و به پیاده سازی آنها مبادرت ورزید. دروزدنکو^{۱۱} سفیر شوروی در رومانی با اندری^{۱۲} وزیر خارجه آنکشور ملاقات نمود و دلایل اعزام سربازان اتحاد شوروی به افغانستان را به وی توضیح کرد. وی از رومانیایی ها انتظار داشت درین مورد دید مثبت و پرتفاهم داشته باشند. اندری اظهار داشت که عملکرد حکومت شوروی در افغانستان موقف اتحاد شوروی را بهبود نخواهد بخشید. جلسه خاص دفتر دایمی کمیته اجرایی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی جهت مباحثه پیرامون وضع افغانستان بروز ۲۹ دسمبر دایر شد. لیا رادولسکو^{۱۳} منشی کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی در امور تبلیغ و ترویج اظهار داشت که اتحاد شوروی «به ما معلومات از قبل تهیه شده در مورد حوادثی که در افغانستان اتفاق افتید داد ولی صرف نظر از اینکه اتحاد شوروی این حوادث را چگونه توجیه و تفسیر می کند، گسیل سربازان شوروی به افغانستان گواه بر سیاست های برتری جویانه آن کشورست. اتحاد شوروی در عین اینکه چنین هدفی را تعقیب می کند خواهان پشتیبانی و تفاهم کشور های سوسیالیستی نیز هست.» دومیترو پوپیسکو^{۱۴} عضو دفتر دایمی کمیته اجرایی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی در بیانیه خود اظهار داشت که «رومانیا نباید با سیاست های اتحاد شوروی تبنانی نشان داده کورکورانه آنها را تعقیب کند.»

^۹ ستر جنرال س. مگومتوف در دسمبر ۱۹۷۹ جانشین دگر جنرال گوریلوف گردید (یادداشت ویرایشگر نسخه روسی)
^{۱۰} احتمالاً یاسین بنیادی. درین ارتباط از خوانندگان آگاه کمک و رهنمایی می خواهم (برگرداننده). بنیادی از وظیفه اش سبکدوش و پس از تلاش ناکام برای پایین در غرب جبراً به کابل برگردانده شد. کارمل از کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکیا و وزارت خارجه آن کشور به سبب برگرداندن بنیادی سپاسگزاری کرده گفت «حال می تواند به آرامی در کابل زندگی کند و تا زمانی که رژیم جدید را مورد تاخت و تاز قرار نداده کسی کاری به کارش نخواهد داشت.» (یادداشت نویسنده)

^{۱۱} V. Drozdenko
^{۱۲} Stefan Andrei وزیر خارجه رومانی (۱۹۷۸-۱۹۸۴) پس از سقوط رژیم چایسکو در سال ۱۹۹۲ به ۱۴ سال زندان محکوم گردید. (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^{۱۳} Lia Radulescu
^{۱۴} Dumitru Popescu

وینوگرافدوف^{۱۰} سفیر شوروی در تهران بروز ۲۸ دسمبر با خمینی در شهر قم دیدار کرد و کوشش نمود تا دلایل تهاجم شوروی به افغانستان را به وی توضیح دهد. وی بصورت محرمانه به اطلاع خمینی رساند که امریکایی ها و شخص جیمی کارتر رئیس جمهور ایالات متحده امریکا از حکومت شوروی چندین بار تقاضا کرده بودند تا با موضعگیری امریکا در قبال منازعه امریکا و ایران تفاهم نشان دهد اما رهبران شوروی استدلالاتی بی بنیاد امریکایی ها را که می خواستند دسپایس خود در ایران را پوشیده نگه دارند رد کردند. رهبری اتحاد شوروی لازم می دانست رهبری ایران و شخص آیت الله خمینی ازین موضوع مطلع باشند و بنابراین بر تفاهم ایران در مورد اقدام اتحاد شوروی در افغانستان حساب می کردند. خمینی در پاسخ اظهار داشت که «هیچگونه تفاهم متقابلی بین یک ملت مسلمان و یک حکومت غیرمسلمان نمی تواند موجود باشد.»

اقامتگاه کی جی بی در بیجنگ (جمهوری مردم چین) بروز ۸ جنوری ۱۹۸۰ هدایت دریافت داشت تا در مذاکرات با نمایندگان کشورهای اسلامی در گردهمایی های اعضای کوردپلوماتیک و خبرنگاران رسانه ها استدلال ذیل را پیش کشد:

«وخامت وضع در افغانستان را باید نتیجه مستقیم حوادث ایران انگاشت. [ترینجا هشت سطر کشیده شده است]. چرخیدن وضعیت به نفع شورشیان نتیجه سیاست های حفیظ الله امین بود که با غصب قدرت فرمانروایی خون و دهشت راه انداخت و بر نیازها و منافع مردم و اقلیت های ملی چشم پوشید. بی توجهی امین به شعارها و اصول انقلاب ثور او را از پشتیبانی حلقات متنفذ اسلامی در افغانستان بی بهره ساخت و به نیروهایی که از خارج حمایت می شدند مجال داد تا تهاجم ضد انقلابی را سازمان دهی کنند. اما نیروهای سالمی که برقراری حکومت وحدت ملی تحت رهبری ببرک کارمل را ممکن ساختند هنوز در درون ح.د.خ.ا. وجود داشتند. وظیفه درنگ ناپذیر در برابر حکومت جدید تحکیم ثبات در کشور و راندن دسته های مسلحی بود که از بیرون فرستاده شده اند. سیاست های امین خیانت به منافع مردم افغانستان بود و به شورشیان فرستاده شده از سائر کشورها موقع داد تا پشتیبانی مسلمانان پاکدینی را بدست آرند که تبلیغات بورژوازی ذهن شانرا مغشوش ساخته بود. حکومت کارمل مجبور شد بخاطر اعاده ثبات در کشور و پایان دادن به مداخله خارجی از حکومت شوروی مطابق با معاهده سال ۱۹۷۸ تقاضای کمک به شمول کمک نظامی نماید. سربازان شوروی صرفاً به هدف اعاده ثبات و جلوگیری از جنگ برادرکشی به افغانستان رفته اند و تابع عین قوانینی می باشند که بر سربازان ملل متحد حاکم است. سربازان شوروی نمی توانند جز در موارد دفاع از خود و دفع حملات بی موجب دست به سلاح برند. حضور سربازان شوروی خود کمکی در راستای ثبات وضع در افغانستان است و بمجرد برآورده شدن این مأمول از آن کشور کشیده خواهند شد.»

در دارالانشای بین المللی همبستگی با خلق های عرب در طرابلس (لیبیا) نیز تدبیر فعالی راه اندازی شد تا به اعضای سازمان اطمینان داده شود که تغییر رهبری در افغانستان در ماه دسمبر توسط خود مردم افغانستان انجام شده و تنها به نفع خود افغان ها بود و اجازه خواهد داد تا مشکلات آن کشور نه از راه سرکوب آنچنان که در زمان امین انجام می شد بلکه با وسایل صلح آمیز حل گردد. استدلال می شد که تغییر رهبری شرایط مساعدی را برای حل و فصل مسایل داخلی و خارجی بشمول بهبود در مناسبات با پاکستان و ایران بوجود خواهد آورد و اینکه هدف کمپاین ضد شوروی در ملل متحد انحراف دادن توجه جهانی از مسائل حاد کشورهای عربی چون توافقات کمپ دیوید و تسلیم شدن انور سادات در برابر اسرائیل بود و بحث افغانستان در ملل متحد پیشینه بی را برای ایالات متحده می گذاشت تا در آینده در امور داخلی سائر کشورها مداخله کند.

خود مردم اتحاد شوروی نیز از روش زورگویانه حکومت شان دل خوش نداشتند و گویا از شادمانی فریاد نمی زدند. مردم شوروی نمی توانستند داستانها و توضیحات فریبنده ایرا که در توضیح اشغال یک کشور خارجی برایشان داده می شد بپذیرند. بگونه مثال گزارش های عملیاتی حاکی از واکنش منفی روشنفکران اوکراین در برابر ارسال سربازان شوروی به افغانستان بود. «ما خود مداخله می کنیم باز از کشورهای غربی می خواهیم تا بر اعمال ما صحه بگذارند.» «اتحاد شوروی به دنبال برتری جویی بر همه جهان است ولی چرا این بلا را بر سر افغانستان نازل کرده است؟» حتی برخی اعضای کی جی بی بر ترس خود از نکوهش یافتن فایق آمده و محرمانه

از بیمناکی خود در مورد کاروایی برزگان کریملین با دوستان خود نجوا می کردند. «من از روس بودنم می شرمم. ما خود برده و گدا هستیم ولی دگران را به اسارت و مستمندی می کشانیم.»

کی جی بی همان گونه که سفارت امریکا در ماسکو را زیر پوشش ابزارهای استراق سمع قرار داد به رگبار کژآگاهی در مورد حوادث افغانستان بر جهانیان ادامه داد.

بروز ۲۴ فبروری ۱۹۸۰ تاییف و ایوانوف تلگرام مشترکی به وزارت امورخارجة شوروی و ریاست عمومی اول کی جی بی ارسال و در آن پیشنهاد کردند تا توضیح نامه مشترک افغانی و شوروی پیرامون دلایل ارسال سربازان شوروی به افغانستان به گونه ذیل ارائه گردد:

جانب افغانی کراراً درخواست نموده بود تا قطعات محدود سربازان اتحاد شوروی به افغانستان فرستاده شوند. امین درخواستنامه ارسال سربازان شوروی را رسماً به سفیر شوروی داده بود چون ضد انقلاب از خارج از جانب ایالات متحده امریکا، چین، پاکستان و رژیم های مرتجع اسلامی کمک و حمایت می شد. نقشه امپریالیست ها و نیروهای ارتجاعی آن بود تا رژیم دست نشاندۀ بی را به سرگردگی حفیظ الله امین روی کار آورند و این رژیم از ایالات متحده امریکا، چین و پاکستان درخواست نماید تا سربازان خود را جهت سلب استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان بفرستند ولو اینکه چنین اقدامی موجب جنگ در منطقه گردد. این نقشه شیطانی توسط نیروهای سالم در درون رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان که در حلقه تنگ رازداران امین نفوذ کرده بودند کشف و افشا گردید. از برکت این رفقا و به سبب خطر تجاوز مستقیم بر افغانستان امین مجبور شد غرض جلوگیری از افشای سهمش در توطئه ضد انقلاب داخلی و خارجی آمدن سربازان شوروی را بپذیرد. امین نمی توانست با اکثریت اعضای هیئت رهبری افغانستان از در مخالفت درآید. حکومت اتحاد شوروی به این درخواست یک دولت دوست پاسخ مثبت داد و تقاضایش را برآورده ساخت ولی با حودث ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ که به سرنگونی امین منتج شد کاری نداشت. آمدن سربازان شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان در نیمه دوم دسمبر ۱۹۷۹ آغاز گردیده بود. امین نقشه یک کودتای ضد انقلابی با کمک سی آی ای و حلقات مخفی اسلامی را بروز ۲۹ دسمبر کشیده بود. کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. حتی پیش از ۲۷ دسمبر امین را محکوم و بر سرنگونی و اعدام وی تصمیم گرفته ببرک کارمل را بحیث منشی عمومی ج.د.خ.ا. انتخاب نموده بود. سربازان شوروی در جریان حوادث ماه دسمبر کاملاً بی طرف بودند. تا زمانی که خطر تجاوز و مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان دستاوردهای انقلاب ثور و منافع امنیتی اتحاد شوروی را مورد تهدید قرار دهد مردم افغانستان از کمک نظامی اتحاد شوروی بی نیاز بوده نمی توانند.

اندروپوف رئیس کی جی بی بروز ۱۴ اکتوبر ۱۹۸۰ حین دیدار با فام هونگ^{۱۶} وزیر خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام شرح ذیل از حوادث افغانستان را به وی ارائه داشت:

«حزب خلق که یک حزب نظامی و حزب پرچم که حزب روشنفکران بود در سال ۱۹۷۸ انقلابی را برآه انداختند. این احزاب که در طی مدت پانزده سال در برابر یک دیگر خصومت می ورزیدند هر دو بصورت عام مارکسیست لنینیست بودند اما روی مسائل تاکتیکی با هم اختلاف داشتند. در نتیجه انقلاب ثور (که توسط حزب خلق راه اندازی گردید) تره کی روی قدرت آمد. در آن زمان ببرک کارمل معاون حزب بود. طرفداران پرچم و خلق علیه یکدیگر به مبارزه ادامه دادند که در نتیجه اکثریت پرچمی ها از پست های پر مسئولیت حکومتی اخراج و سرکوب یا منحیث سفیر به کشور های خارج فرستاده شدند. درین میان کارمل نیز منحیث سفیر به جمهوری سوسیالیستی چکسلواکیا فرستاده شد. پس از بدررفتن کارمل از صحنه امین که شخصیت بس بغرنج و پرابهام داشت و حین فعالیت در حلقات مخفی سیاسی هیچگونه تماسی نه با اتحاد شوروی و نه با تره کی و کارمل داشت شخص دوم در کشور گردید. [ترینجا یک سطر کشیده شده است] امین معاون رئیس حزب، معاون رئیس جمهور، معاون رئیس شورای وزیران، وزیر دفاع، وزیر خارجه و وزیر امنیت دولتی گردید و قدرت وسیع را به دست خود متمرکز ساخت. تره کی سالخورده بود. در ابتدا از امین خرسند بود و متوجه نشد چگونه امین همه قدرت را

بدست خود تمرکز می دهد. تره کی بر این امر آگاه بود ولی به آن توجه نمی کرد.^{۱۷} وقتی متوجه خطر شد کار از کار گذشته بود چون امین همه قدرت را بدست خود گرفته بود. امین به ابتکار خود پلنومی را دایر و تره کی را از همه مقام هایش برطرف و سپس او را دستگیر و در زندان خفه ساخت.

امریکا و ایران واضحاً بر امین اتکا داشتند. در همین راستا یک روزنامه آمریکایی نوشت که تا مارچ ۱۹۸۰ در افغانستان «نظم برقرار خواهد شد». پس‌انتر ثبوت بدست آمد که قصد امحای دستاوردهای انقلاب ثور و تأسیس یک جمهوری اسلامی تحت زعامت ایران را تأیید می کرد»

امین را کی سرنگون کرد؟ از نظر زمانی سرنگونی امین مصادف بود با ارسال قطعات محدود سربازان شوروی به افغانستان. حلقات مبارز مخفی افغانستان از پیاده شدن سربازان شوروی برای اشغال قدرت استفاده کردند.^{۱۸} امین با ملاها مناسبات خوبی نداشت (در افغانستان در حدود ۴۰۰۰۰ مسجد وجود دارد) و اصلاحات ارضی ناکامی را راه انداخته بود. اگر ده تن از یک دهکده شامل مبارزات مخفی می شدند امین امر بمباران و نابود سازی همه دهکده را صادر می کرد. در نتیجه همه مردم افغانستان ضد امین شدند.

برای پیاده سازی سربازان شوروی به افغانستان دو دلیل وجود داشت: دفاع از انقلاب و پاسداری از مصئونیت اتحاد شوروی. اگر ایالات متحده آمریکا به افغانستان داخل می شد ما مجبور می شدیم تعداد زیادی از سربازان خود را در مرز افغان شوروی نگهداریم.

ملحوظات ستراتیژیک را نیز نباید از نظر دور داشت. انترناسیونالیزم شوروی اکثراً ساحات وسیع جغرافیایی را زیر نقاب مبارزه علیه امپریالیزم دربر می گرفت. هند از زمان های متمادی بدینسو دیده های آزمند کشورگشایان را چون مقناطیسی بخود جلب کرده است و از افغانستان تا به سواحل دریاهای جنوب تنها پنجصد کیلومتر فاصله است. تره کی و امین همچون گاو‌بازان هسپانوی که پارچه سرخی را در پیشروی نرگاو خشمگین تکان می دهند اندیشه فریبی رسیدن به تنگه هزمز و سواحل اقیانوس هند را به دولت‌مردان شوروی عرضه داشتند. تره کی مسئله گسترش خاک افغانستان تا کنار بحر و پرورش اردوی افغانستان برای اعمال قدرت در منطقه، بخصوص در برابر پاکستان که بمثابه جسم اجنبی درین منطقه انگاشته می شد و بمثابه پاسخ و حل جذری مسئله پشتون ها و بلوچ ها به نفع افغانستان را در سطح حکومتی به برژنف ارائه داشت. وی می گفت «ما نباید پشتون ها و بلوچ های پاکستان را در دست امپریالیست ها بگذاریم. همین اکنون ممکن است مبارزه آزادیبخش ملی را در میان این قبایل راه انداخت و ساحات پشتون نشین و بلوچ نشین افغانستان را در آن شامل ساخت».

امین در آگست ۱۹۷۸ یا جوش و خروش به پوزانوف و گوریلوف گفت «مسئله پشتونستان و بلوچستان هنوز برای ما مطرح است ولی آنرا در مطبوعات علم نمی کنیم. قلمرو افغانستان باید به سواحل خلیج عمان و اقیانوس هند برسد. ما آرزو داریم بحر را به چشم سرببینیم.» وی یکبار دیگر در ماه اکتوبر این موضوع دلخواه خود را مطرح کرد: «وظیفه ما اینست تا افسران و سربازان و همه مردم افغانستان را تا خط دیورند که آنرا برسمیت نمی شناسیم و از آنجا تا رود سند که باید مرز ما باشد رهنمایی و رهبری کنیم. اگر ما این وظیفه تاریخی را نتوانیم بسر برسانیم گفته می توانم که کار ما بیهوده بوده است. ما باید به اقیانوس هند راه داشته باشیم!»

کارمل نیز اندیشه افغانستان بزرگ را در سر می پروراند. وی خط دیورند را بمثابه فرجامین مزر کشور نمی پذیرفت ولی مسئله را در مباحث عام مطرح نمی کرد. متروسوف^{۱۹} رئیس سربازان مرزی کی جی بی این روش را می تأیید می کرد. «درست نیست که مسئله مرزها با همسایگان را اکنون مطرح کرد. هر چیز وقت مناسب خود را دارد.» کرسی نشینان دستگاه حزبی دولتی شوروی به دوستان افغانی خود حالی ساختند که برای دیدن اوقیانوس بچشم سر باید باد از سر بکشند و شکیبایی پیشه کنند چون چنین هدفی نیروها و امکانات جمهوری جوان را ته کشیده از وظایف بنیادین تحکیم مواضع در داخل کشور انحراف می داد. دوستان افغانی باید تا آزمان در محدوده

^{۱۷} تناقض گویی بدی پر آشکار است که لازم است پاورقی داده شود که *کذا فی الاصل* - برگرداننده خوانندگان که ترجمه حاضر یا نسخه انگلیسی را به دقت مطالعه نموده اند گواهی خواهند داد که این نوشته چیزی جز سیاه نویس میتروخین که بیشتر پرداخته نشده نیست و از نظر ترتیب، ارائه و ویرایش خامی ها، اشکالات و کاستی های فراوانی دارد. نمونه دیگری از آنرا درینجا می توان دید که نویسنده بدون هیچگونه هشدار دروغ پراکنی رسمی دستگاه سوسیال امپریالیزم را در پاراگراف خود آورده و خواننده را سرگیچه می سازد که این توضیح میتروخین است یا چکیده بی از اسناد کی جی بی - برگرداننده

^{۱۹} Matrosov

امکانات و توانایی های خدمات ویژه (استخباراتی) شان در پاکستان و بلوچستان مشغول گردند. میوه درخت آمل هنوز پخته نشده بود. کرسی نشینان شوروی آنها را با این پند هشدار می دادند: «اول باید افغانستان را فتح کرد!» و سوسه ماجرا جویی غالب، خطرات آن ناچیز و مقاومت جدی هم بعید به نظر می رسید. جنگ اعلام نشده علیه مردم افغانستان در آستانه وقوع قرار داشت.

ادامه دارد

تصحیح یک نکته

در فاصله میان انتشار قسمت های نهم و دهم این ترجمه پیامی دریافت داشتم از آقای ذبیح الله زیارمل که می گوید: «در حاشیه یکی از بخش های این ترجمه از زیارمل نامی نقل قول صورت گرفته که به این وسیله توقع می رود تصحیح شود زیرا این حرف ها از آن ذبیح الله زیارمل نیست. مسلماً آن زیارمل که از آن نقل قول شده ذبیح الله نام ندارد.» اشاره به یک یادداشت پاورقی در بخش هفتم این ترجمه است که در آن چنین آمده است:

«شبکه جهانی تلویزیون آریانا بروز ۲۶ دسمبر ۲۰۰۸ بمناسبت ۲۹مین سالگرد تجاوز قشون سرخ در ۶ جدی ۱۳۵۸ مصاحبه میزگرد تلویزیونی را به اشتراک ذبیح الله زیارمل رئیس سابق سیاسی اردو در زمان کارمل به نمایندگی از پرچمی ها، الماس خان با پیشینه نامعلوم به نمایندگی از خلقی های امینی، صدیق چکری به نمایندگی از اخوانی ها، رزاق مامون ظاهراً از ژورنالیستان بیطرف و گرداننده برنامه قدیر میرزایی تدویر و نشر کرد. درین مصاحبه ذبیح الله زیارمل افشا ساخت که سه تن فراری خلقی توسط روس ها بدخل تابوت های سربازان شوروی مخفی ساخته شده به بگرام انتقال داده شدند.

خوشبختانه شمار زیادی از خوانندگان این نوشته آن برنامه را دیده اند. اینجانب از خوانندگان گرانقدر صمیمانه می طلبم مرا یاری کنند تا واضح شود که آن شخصی که به نمایندگی از پرچمی ها صحبت می کرد چه نام داشت؟ و نیز از آنچه مطمئن نیستم معلومات دهند که آیا آن نماینده پرچمی ها بود که این حرف را زد یا الماس خان نماینده خلقی های امینی؟ اگر در قسمت نام ذبیح الله زیارمل اشتباه کرده باشم از زیارملی که پیام فرستاده پوزش می طلبم و اگر این حرف از نماینده خلقی ها بوده نه از زبان نماینده پرچمی ها در اینصورت از خوانندگان ارجمند به سبب این اشتباه خود صمیمانه معذرت می خواهم. -

حمید سیماپ

سخنی با خواننده

پروژه اكمال و ویرایش سند «کی جی بی در افغانستان»

خوانندگان ارجمندی که بخش های پیشین این سلسله را از نظر گذرانده اند شاید متوجه شده باشند که برخی عدم دقت ها در محتوی و شیوه بیان این رساله وجود دارد که تا آنجا که ایجاب می کرد و در توان اینجانب بود در پاورقی ها به آنها اشاره شده است. این رساله در اصل بشکل دستنویس بزبان روسی نوشته شده است. شرایط پر از اضطراب و دلهره بی که در تحت آن اسناد محرم بایگانی کی جی بی پنهانی استتساخ و برون کشیده می شدند از بی دقتی ها در املائی نام ها و عدم مراعات نقطه گذاری که در زبان های اروپایی با دقت و وسواس مراعات می شود، آشکار است. پس ازینکه متروخین با اسناد برون آورده شده از کی جی بی به غرب آمد حجم گفتنی ها و افشا کردنی های مختلف بیشتر از آن بود که بتواند وقت و دقت لازم را برای ویرایش نوشته ها و پژوهش فاکت های یک رساله دستنویس بخرچ دهد.

تا جایی که معلوم است این رساله هنوز بزبان اصلی روسی نشر نشده و همانگونه که در پیشگفتار بخش اول این ترجمه دری آمده، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» بزبان انگلیسی به نشر رسید. نسخه انگلیسی این رساله گویا معروض ویرایش قرار گرفته است اما

تعداد صفحات: ۸ از ۹

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de یادداشت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.

کسانی که نسخه نشر شده انگلیسی را مطالعه کرده اند یا خواهند کرد گواهی خواهند داد که ویرایش انجام یافته ناقص و پر از کاستی هاست و کمتر تلاش صورت گرفته تا نوشته مطابق با معیارهای پذیرفته شده ویرایش مسلکی در غرب ارائه گردد. (املاي نادرست و ناهمگون نام ها، عدم مراعات دقیق نقطه گذاری بخصوص هنگام نقل قول، از هم گسیخته بودن جملات و پراگراف ها و سلیس نبودن بیان). شاید هم این «عدم دقت» در واقع بخاطر بازتاب دهی دقیق اصل روسی بوده باشد.

اینجانب و اکثر خوانندگان این رساله مربوط نسلی هستیم که شاهد عینی وقایع شرح شده درین نوشته بوده ایم و با نامها و شهرت اشخاص ذکر شده و حوادثی که آفریدند تا حد زیادی آشنایی داریم و مستقیماً متأثر از درامه های تاریخی ننگینی هستیم که شرح جریانات پشت پرده آنها درین رساله و در نوشته های بیشمار دیگر آمده است. ولی ما نسلی هستیم که بسوی شامگاه زندگی خودها روانیم و به یقین که خوانندگان جوانتر و آیندگان آن بوی آشنای خاطرات ناگوار این حوادث را که ما استشمام می کنیم نخواهند شنید، بنابراین لازم است توضیحات پاورقی و معرفی اشخاص و حوادث ذکر شده درین رساله هرچه همه جانبه تر و افشاگرتر باشد، که درین امر خود را محتاج مددکاری و همکاری خوانندگان ارجمند می دانم.

درین راستا از خوانندگان با درد این سلسله تقاضا میکنم که در صورتی که در مورد اشخاصی معلومات داشته باشند که درین رساله نام گرفته شده اند ولی معرفی دقیق نگردیده اند با تذکار آن به آدرس پیک برقی kgbdariproject@yahoo.ca در اكمال و بیشتر مؤثقی ساختن این سند که پس از پایان نشر انترنتی بشکل نسخه چاپی انتشار خواهد یافت سهم حقیقت پویانه بگیرند. معلومات ارسالی آنها بنام خودشان در پاورقی ذکر خواهد شد.

درین ارتباط بصورت مشخص معلومات ذیل تقاضا می گردد:

- جاسوس نام گرفته شده در دوران وحشت و خیانت ۷ ثوری چه مقام و منصبی داشت؟
- شخص مذکور اکنون در کجا زندگی می کند؟ اگر فوت نموده چه وقت و در کجا چشم از جهان پوشیده است؟
- «یک تصویر گاهی کار هزار کلمه را می دهد». اگر عکسی از اشخاص ذکر شده درین رساله (چه ایجننت های کی جی بی و چه قربانیان جنایات شان) سراغ داشته باشید با فرستادن یا دادن نشانی آن بر همه خوانندگان منت بگذارید.
- معلومات بیشتر پیرامون کارنامه شخص مورد نظر

سپاس من و همه خوانندگان به آنانی که درین راستا سهم می گیرند از پیش تقدیم باد. (برگرداننده)